پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (۳۷) دوشنبه ۲۹جدی ۴۸ـ۱۹ جنوری ۷۰ـشماره مسلسل(۸۸)

تظاهرات ضدامپریالیزم امریکا در کابل مظهری از آزادی خواهی و زنده بودن خلق دلیر کشور ماست

چهار تن از پرچمداران دلیر ، ترقیخواه و وطنپرست جریان دموکراتیک خلق افغانستان (رفقای ما فاروق(داکتر)، خلیل ژ مر ، نجیب ووکیل) به نسبت مبارزه علیه امپریالیزم امریکا، وبرخاطر پشتیبانی از نبرد عادلانه خلق قهرمان ویتنام و اعمال ناپ و پلیسیت شریر کمپ قهرمانانه در تظاهرات علیه سفارت سیمیرو اکنیو معاون ریاست جمهوری امریکا مستبدانه و مخالف مصالح ملی کشور برای دومین بار باز داشت و زندانی گردیدند وهم یکعده دیگری ازرفقای ما تحت تعقیب میباشند. باید یادآور شد که این تنها پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان است که تحت تعقیب قرار گرفته ویکعده ایشان زندانی شده اند.

رفقای ما در مبارزه قهرمانانه خویش برطبق مشی جریان دموکراتیک خلق افغانستان و بر اساس وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیزم عمل کرده اند، این وظایف در بیانیه پارلمانی ما در جلسات رأی‌اعتماد بر حکومت شاغلی

اعتمادی در ولسی جرگه چنین بیان گردیده است:«در برابر ما وظایف دشمن غدار ومشترک ملل وخلقهای مبارزه علیه امپریالیزم ،این متحدیده وتمام بشریت، مطرح است ما معتقدیم که نیروهای انقلابی و ترقیخواه جهان میتوانند اقدامات تعرضی عظیمی را علیه ارتجاع و امپریالیزم وشعله افروزان جنگ انجام دهند ... اهداف ضد ا میر یا لیستی عبارتند از مبارزه علیه جنگ، پشتیبانی از مبارزه خلقهای دلاور ویتنام و عرب علیه امپریالیزم امریکا ونیز و از اسرائیل ،مبارزه در راه صلح و هدفهای سیاست‌همزیستی مسالمت آمیز .....»

تجربه اخیر تظاهرات شجاعانه هزاران نفر از هموطنان ما در کابل درنخبت پرچم پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان مبین اینحقیقت‌است که خلق کشور ما ضد امپریالیزم بین‌المللی وبدرجه‌اول ضدامپریالیزم امریکا میباشند. ولی برای شناخت ماهیت حکومت نیزدر ساحه‌سیاست

درباره یک شعار

ساده حرف میزنیم!

در این روزها مطبوعات حکومتی باشعار «افغانستان برای افغانستان» که گویا بنا غلی اعتصادی صدراعظم ضمن توضیح خط مشی خویش در ولسی جرگه آنرا ابتکار (؟) نموده ، سخت سر گرم اند و میکوشند این شعار مجرد را بامشتی کلمان مرده وبیجان و حرفهای مفت دیگر توجیه و تفسیر نمایند. از آنجائیکه ا ژاین شعار جالب برای ارائه منطق طبقات ستمگر استفاده و تبلیغاتی میگردد ماروی آنمکث نموده وحقایق این شعار را برملا میسازیم.

وطن محبوب ما افغانستان کشور کهنسال است. از هزاران سال باین طرف اجداد ما د راین‌سر ز میں ساکن اند واز وطن در مقابل تاختو تازها و تجاوزات متجاوزین غارتگر دفاع نموده ودر راه حفظ آن خو نها ریخته اند .علاقه باین سر زمین در طول تاریخ بمظهرعمدهٔ منا فع‌مشترک سکنه آن تبدیل شده وبتدریج‌تحت عنوان وطن پرستی‌احساسات‌شریفانه رابخود گرفته است. بد ینترتیب سرزمین، سکنه وپیوند های تاریخی همه بایکدیگر محتوی عینی وطن و دفاع از منافع عمومی اکثریت عظیم خلق کشور مضمون کلی وطن‌پرستی راتشکیل میدهد.

در عصر امپریالیزم که ملل عقب مانده وکم رشد بمیدان فعالیت کشور های پیشرفته سر مایه داری و استعمارگر تبدیل گردیده است‌وطن پرستی مستقیماً با مسأله ملت و منافع ملی مربوط می‌شود.

منافع ملی در مبارزه برای‌استقلال کامل ملی (استقلال سیاسی-استقلال اقتصادی) وحل تمام مسایل مربوط به حیات داخلی وروابط خارجی تظاهر میکند. مساله رشد سریع همه‌جانبه ومتوازن اقتصاد وفرهنگ کشور رکه بنا بر سیطره ونفوذ استبداد،ارتجاع واستعمار چندین قرن از کاروان مدنیت عقب مانده است در دستر و روز ومرکز ثقل وظایف ملی قرار میگیرد.

جنبش رهایی بخش ملی تنها با استقلال سیاسی بانجام نمی رسد . همراه استقلال به تغییرات بنیادی‌در زندگی اقتصادی واجتماعی توأم‌نگردد وورسالت تاریخی تجدید حیات ملی‌را ایفا نکند استقلال سست بنیاد و موهوم خواهد بود. اکنون ۹۵ فیصد خلق زحمتکش کشور ر ما که استقلال در عمر تقریبا یک نسل موجب تغییر قابل ذکری در زندگی آنها نشده این مطلب را روی پوست وگوشت خود احساس میکنند و تشخیص میدهند که فقط آن اشخاص ویا گروه های اجتماعی «افغانستان‌را برای افغانستان» میخواهند که د ر عرصه های داخلی وخارجی علیه‌عوامل عقب ماندگی کشور مبارزه بی امان وپیگیر مینمایند وبرای تحصیل استقلال اقتصادی که شرط قبلی آن درهم پاشیدن کلیه تعلقات کهنهٔ فئودالی وگسستن همبستگی های ایشان آور استعماری است اعلان جهاد میکنند. زیرا درد ناکتر از هر چیز مشاهده عقب ماندگی‌افغانستان، فقر توده های خلق کشور،زور گوئی، ستمگری واهانتی است که هرروز ملاکان فئودال، سرمایه دا ران و بو ر و کرا ت های فا سد بر خلق وطن محبوب ما افغانستان روا میدارند.

اکنون باید ملاحظه کرد که کدا م طبقات وا قشار د ر جا معه وا قعا «افغانستان را برای افغانستان» میخواهند ومحرک آنها چیست؟

روشن کرد ن این مساله د ر افغانستان که از طرفی دارای ترکیب طبقاتی پیچیده است واز طر ف‌دیگر پراکندگی در صفوف نیرو های ملی حکمفرماست، دارای اهمیت خا ص است.

جامعه ما یک جامعه نیمه فئودالی است. طبقات آن‌عبارتند ازدهقانان ،خورده بورژوازی واقشار متوسط، سرمایه داران دلال، ملاکان

(ص۲)

نظامی در ویتنام جنوبی در سال ۱۹۶۹ تلفات آمریکائی‌ها در ویتنام جنوبی

بر طبق احصائیه هائیکه هنوز تکمیل نگردیده است در سال‌گذشته (۱۹۶۹) ، نیروهای مسلح‌آزادیبخش خلقی ویتنام ٦٤٥٠٠٠ عسا کر دشمن به شمول ۲۳۵۰۰۰ امریکایی وشرکاء جرم آنها را در جبر یا ن جنگ تجاوز کارانه شان ، بقتل رسانده، زخمی ساخته و یا اسیر گرفته‌اند . این ارقام‌توسط قوماندانی قوای مسلح آزادیبخش ویتنام جنوبی دربك اعلامیه راجع به عملیات‌نظامی درسال ۱۹۶۹ داده شده و بو سیله خبر گذاری آزاد پیخش ویتنا م جنوبی انتشار یافته است .

در سال گذشته وطنپرستان‌ویتنام جنوبی ٦٤٠٠ فروند طیاره راسقوط داده ویا خساره مند ساخته اند ، به تعداد ۱۷۰۰ کشتی نظامی را غر ق ساخته ویا آتش زده‌اند، ۱۹۰۰۰ وسیله نقلیه را به شمول تقریباً ده هزار تانك وزره پوش‌علاوه‌بر ۲۵۰۰ عدد توپ ،هاون وخمپاره های ثقیل، از بین برده‌اند .همچنان ۹۰۰ ذخیره نظامی دشمن را منفجر کرده‌اند .

اتحاد شوروی موقف خودرادر موردشرق میانه تغییر نداده است

یك نطاق وزارت خارجه اتحاد شوروی سخنان اسا پ میصر سیاسی امریکا را راجع به اینکه گویا اتحاد شوروی سیاست خود را در مورد شرق میانه تغییر داده استرد نمود .

رئیس شعبه مطبوعات وزا ر ت خارجه اتحاد شوروی در جواب سوالات روز نا مه نگاران در یك کنفرانس مطبو عاتی اظهار داشت‌که اساس موقف اتحاد شوروی را در ارتباط با خاورمیانه نمیتوان تغییر نموده است . طوریکه معلوم است « فار مول رو دوس» در سال ۱۹۶۷ درانتهای انعقاد قرارداد مشترکه مصر واسرائیل جایا ن آمد. در باره متن آن به اساس میانجیگری

(ص٤)

دمردان په یولک

کسیزه غونده کی فیصله وشوه

چه‌د صو به‌سر حدنوم‌دی پښتو نستان کیښودل شو،

دیا کستا ن او پښتو نستا ن د خلکو دمنی او اجتماعی آزادی پښتونکی نهضت ته سخته ضد مه ورسیدله . هغه ایانی (صوبایی) خود مختاری چه دتوپدیخ پاکستان خلکو او دپښتو نستان ولس لـه انگریزی استعمار سره داوږ دی مبار زی او پیرو قربانیو په بدل‌کی کښی وی دلوبدیخ پاکستان‌دیپوپونپ دیلان به اساس له مینځه یو ړ لـی شوی .

صوبا نـی اسمبلـی منحـلی او صوبایی حکو متونه ړنگ شـو ل . ددی وضعی به نتیجه کی پا کستان دیاکستان او پښتونستان دخلکـو دپاره ډیو ستر او هولناك زندان‌پـه غوره کړله او دسـو میالیستـی او سوله غو ښتونکو او بـی طر فـو کاونو یو هیواد دپاره دامپرا ټیز م دمداخلی ،ټیر یو او دسا یسو پـه اډی بدل شو . چه دایښیا ددی‌سیمی سولـه یی نهډیده وله. ته یوا خی په پاکستان‌کی داسلام ټرنامه لاندی دهر ډول مترقی او ضد ارتجاعـی افکارو په مقابل‌کښی ډکهپر اوتشدد له ډلې اقدامات وشول بلکه پاکستان دنورو هیوادو دترقی نهضتو نو په مقابل کی دارتجاعی دهرجنوافکارو، دتبلیغ او ترویج مرکز وکرځیـد . له آزادی نه ورو سته د دغو نا ورو انکشا فاتـو نتیجه دا شـوه چـه دامپرا نـسستی او سرمایـه داری وحشیانه استعمار له کیله دپاکستان او پښتو نستان دژوند ایستو نگـی خلکو دکار اوزیار په سلو کـی ۸۵ کښی یواځی هغو ۲۳ کورنیو او دهغو دمړیو ځینو لاس نه ورځنی جنـ دهیواد سیاسی اقتدار ښی په لاس کی ډ .

خو دپاکستان حاکمه طبقا تو او ارتجاعی قو ټو ونشوای کو لای‌چه له ټولو وحشیانه ټدابیرو سره سره دپاکستان او پښتونستا ن دخلکـو دملی او اجتماعـی انقلابـی آزادی پښتونکی نهضت مخه ونیسی .

دپاکستا ن او پښتو نستان ټو ل مترقی ، ملی دموکراتیك انقلا بی‌ضد امپریا لیسی عناصر دنشتل غوا می پارټی په متحد مستگر کـی چـه دانگریزی استعمار په ضد داو ږ دی مبارزی او به دغی لار کی دزیا تـو قربا نیو افتخار و ړبه برخه دی اوپه تیرو ۲۲ کلونو کی دمو لی ، ملـی خپلواکی ، اجتماعی‌عدالت اواجتماعی ترقی او دپښتو نستا ن دخلکودپاره دحق خود ارادیت به لاړگی مشر ی مبارزی کړی او ژبانی قربانی‌ورکړی دی‌دپاکستان دنورکونډو او توتو نو دمارشان ایوب دهردی یه نـه مـنی دکتا توری به مقابل کی به ټو لـیـ سختو او مشرو مبارزو لاس پو ری کړ .

دکار ټرو ، بزګرو ، محصلا نـو اونورو پیښه وزانو مټر اعتصا ونه او مظاهری شروع شوی ، پـه هیواد کی ستر سیاسی بحران‌مینځ ته راغی.دتیښتل عوامی کونه صدر خان عبدالولی خان‌اوجایښ‌مشر تر اجمل خټك او دډګه کونډونرمیاسی بندیان راخلاص کړی . دسیاسـی کونډونو نه مشرانو سره یه یـوه ګرد میز باندی کښینی او دهغـه هیواد پـه وړان او ویجاړ حا لـت ږندی خبری اتری وکړی . خـو خرنګه چه دپاکستان حکومت خپل حیثیت او اعتبار په خلکوکی‌بایللی ډ بیایی هم لـه مبارزی خـخه لا س وانخښت تر خو چه ایوب نه مینځـه وایستل شو اونوی مار شال لا لـی نظام مینځ ته راغی . نوی نظامـی حکومتدپاکستان‌دیحیا‌نیوحکومتونو دسرنوشت په تفکری نیو لو سره وعده وکړله چه دجنوری‌نه لومړی نیټی نه به کوندی فعالیتو نه‌شروع شی ، تاویده بغ پاکستان‌یو پوښتـنـه به مات شی او به پاکستان کی پـه عام انتخا بات نه دمو کرا تیکـسـو اصولو سره سم په ټول پا کستا ن کی ترسره شی او په پاکستان کـی به پارلمانی فد رالی شکل دحکومت منځ ته راشی. دهمدی و عدی پـه اساس دی چه به ټول پا کستان کی سیاسی فعا لیتو نه شروع شو ی دی .

دمردان پـه همی لومړی پی‌سازی ستری ټولنی کی چه دشهباز دروغ پاڼی په قول نه یوڼك نه زیات خلك به‌کی راټول شوی وودډیښتل عوامی پارټی صدر خان عبدالولی خان از جایښ مشر تر اجمل خټك جدا بی وینا وی وکړلی .

یه دغی جنسی کی فیصله وشوه چه‌دصوبی‌سرحد نوم دی‌پښتونستان کیښودل شی .

وئی خان یه خپله وینا کی وویل چه دپښتو نستان خلکو دخپـل حاکمیت حق دډیرو قر با نیو پـه بدل کی‌ګټلی دی . بایددپښتو نستان ټول خلك‌ټول کونډو نه‌دپښتونستان دنوی تعمیر دپاره له موږ سره‌مرسته وکړی .

یه‌دغه عظیم‌الشانه غونده‌کی‌عبدالولی خان وینا کوی

ارادهٔ رزمندهٔ ضد امپریالیستی مردم افغانستان حکم مینماید تا پرچمداران مبارز دموکراتیک خلق افغانستان که‌درتظاهرات ضد امپریالیستی دربرابر آگنیو ، زندانی گردیده اند هرچه زود تراز حبس رها گردند !

بخش تئوریک

(تلخیص از یک اثر مترقی)

مقدمه :

این بحث شامل دو مبحث اساسی است در بارهٔ مهمترین و عمده ترین اصول جهان بینی علمی و اصول و موازین سازمانی حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر و مشی استراتژیک یک و تاکتیکی آن. کوشش شده است که مطالب نه تنها کوتاه و ساده بیان شود بلکه حتی المقدور نکات ضروری هر چه بیشتری را در بر گیرد. هدف نشر این مسایل کمک به کار آموزشی جوانانی است که بسوی نهضت روی میآورند ولی هنوز از مبادی این دانش اطلاع منظم ندارند.

سود مند است که نو آموزان این مباحث را چند بار مستقیماً مطالعه کنند و سپس مشکلات خود را با کسانی که میتوانند باو توضیح بدهند در زمان کذارند و حل کنند. کوتاهی مطالب امکان میدهد که این مباحث بخوبی درک شود و دقت به خاطر سپرده گردد. میتوان اطمینان داشت که قرد مبارز منظره ای و لو کلی و مختصری از جهان بینی حزب طراز نوین طبقه کار کر بدست آورده است.

جهان بینی چیست

جهان بینی یعنی مجموع عقاید یک نظریات یک شخص، یک طبقه، یک جمعیت در بارهٔ طبیعت و جامعه، این جهان بینی میتواند علمی باشد و یا غیر علمی.

جهان بینی غیر علمی مبنا بتنی بر روی عقیده کور کو رانه و قبول تعبدی است.

جهان بینی علمی، مبنایش بررسی استدلال عقل و اثبات تجربی است و بر واقعیات استوار است.

جهان بینی علمی (مارکسیزم-لنینیزم) مجموعهٔ نظریات علمی بهم پیوسته ایست در بارهٔ قوا نین حرکت و تحول جهان و جامعه. در بارهٔ این که از جامعه مبتنی بر مبادلات طبقاتی و بهره کشی انسان از انسان و اسارت یک خلق در چنگ خلق دیگر میتوان جامعهٔ آزاد از تمام قضات طبقاتی، فارغ از بهره کشی و رهائی از اسارت و ستم ملی ایجاد کرد.

اصول اساسی جهان بینی علمی را مارکس، انگلس و لنین (رهبران بزرگ پرولتار یای جهان) تنظیم کرده اند. مارکس با استفاده از سه منبع یعنی اندیشه های اقتصادی بورژوا انگلیسی ما نند آدام اسمیت و ریکاردو و فلاسفهٔ آلمانی ما نند هگل و فویرباخ و سوسیالیستهای فرانسوی ما نند سن سیمون و فوریه نظریات خود را ترتیب داده اند.

مارکس و انگلس دردوران سرمایه داری قبل از انحصارات زنده گی و فعالیت میکردند و نظریات خود را در آن دوران که دوران رشد مناسبات سرمایه داری و دوران رقابت آزاد بود بیا ن داشتند.

لنین در دوران سرمایه داری انحصاری زندگی و فعالیت میکرد و جهان بینی علمی را در دوران رشد فاجعه آمیز دوران جنگها، انقلابات انطباق داد و تکامل بخشید.

جهان بینی علمی از سه بخش عمده فلسفه، اقتصاد و سوسیالیسم تشکیل میشود.

جهان بینی علمی بعدا بو سیله تئوریسین های دیگر احزاب کارگری طراز نوین بسط یا فت و بر شرا یط زمان ما که دوران انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم، دو ران فرو ریختن سیستم مستعمراتی امپریالیزم، دوران پیدایش و بسط و تحکیم سیستم سوسیالیزم جهانی است انطباق داده شد.

جهان بینی علمی رهنمای عمل کلیه احزاب انقلابی کارگری طراز نوین است. احزاب کارگری با تکا این جهان بینی علمی پدیده های بغرنج اجتماعی را تحلیل می کنند، استراتژی و تا کتیک خود را تنظیم مینمایند، شعار های روز و نرد یک خود و راروشن میسازند.

جهان بینی علمی حربهٔ کاری و برا ئی است که اگر ارزش حربه بجا درست استفاده شود میتواند ما به بیروی حزب طبقه کار کر گردد.

هر فرد انقلابی باید جهان بینی علمی را بیاموزد و آن را خوب هضم وعمیقاً ادراک نماید. اگر جهان بینی علمی را خوب تفهمیم و عمیقاً هضم نکنیم معلو مات ما دو دین زمینه محدود و کتابی باشد ما نه تنها قا دره نمی رسانیم بلکه به کار ضرر می‌رسانیم، این یک آموزش کبیر و عالی است، ولی یاد گرفتن آن دشوار نیست زیرا حقیقت است و حقیقت همیشه ساده و رو شن است.

نکاتی در بارهٔ اسلوب دیالکتیک وماتر یالیزم فلسفی

فلسفه مار کسیستی، ما تر یالیزم دیالکتیک نام دارد واز سه بخش عمده مرکب است.

۱ـ اسلوب دیالکتیک

۲ـ ماتر یالیزم فلسفی

۳ـ ما تر یالیزم تاریخی

اول اسلوب دیالکتیک بما نشا ن میدهد که طبیعت و جامعه و تفکر و عمل انسانی موافق چه قوانین و در حرکت و تحول اند. باد گرفتن اسلوب دیالکتیک برای درک صحیح پدید ه های طبیعی واجتماعی و فکر ی و برای تحلیل صحیح این پدیده ها ضروریست.

در مت است که اگر شخصی بسیار با تجربه ودقیق باشد و یک مطلب را خوب بر رسی کند وغرض هم نداشته باشد خود دیالکتیک فکر می کند ولی به هر حال جهت دانستن قوانین دیالکتیک و بکا ر بردن آگاهانه این قوانین به در ست فکر کردن و حل صحیح مسا یل کمک می‌کند.

یکی از فلا سفه اسلوب دیالکتیک را ریاضیان انقلاب نامیده برای این که انقلابی بتواند شرایط نکا مل جامعه ونهضت را خوب حسا ب کند باید این ریاضیات را بداند.

به کار بردن صحیح اسلوب دیالکتیک ما را به درکی ما هیت پدیده ها و گرایش عمقی ونهائی حوا د ث قادر میسازد.

منطق دیالکتیک دارای چهار قانون عینی عمده است.

۱ـ قانون ارتباط، ۲ قانون حرکت وتغییر، ۳ـ قانون تضاد و ٤ـ قانون تکامل.

۱ ـ قانون ارتباط : معنای این قانون اینست که سرا پای جهان جاندا ر و بی جان به هم پیوسته و مر بو ط امت ودر هم مؤثر است. همه جهان اشکال مختلف ماده است که تغییر وتکامل می‌کنند.

اگر در جهان تنوع می بینیم و کیفیت های گوناگون از جماد ونبات وحیوان وانسان از مادی ومعنوی مشاهده می‌کنیم برای آنست که ساختمان ماده مرتبا مرکب تر و بغرنج تر میشود.

این تنوع دلیل آن نیست که جهان از چیز های یکدی مختلف که با هم از تباط ندارند تشکیل شده است، در قدیم تصور میکردند که مثلا شعور وماده دو جوهر به کلی متفاو ت اند. امروز میدانیم که فکرو شعور خاصیت ماده است که ساختمان بسیار بسیار بغرنج وپیچیده دارد ومجزا از ماد ه نیست. در میان انواع از تبا ط ما ن ظاهری وباطنی بین اشیا وپدیده ها آن از تبا طا تی که استوار است و عمل کردن آن اشیا وپدیده ها را نشان میدهد قانون نا م دارد.

۲ ـ قانون حرکت وتغییر: معنای این قانون آنست که سرا پای جهان را که به هم پیو سته و مر تبطاست همانند یک دستگاه واحد است در حال حرکت وتغییر دایمی است. هیچ چیز در این دستگاه بر یک منوال نمی‌ماند. سکون، عدم حرکت وعد م تغییر ظاهری است. اصل جنبش وتغیر است در اثر همین تغییرات است که همه چیز نسبی وسپری است.

حرکت را معمولا به حرکت مکانیکی (انتقال در مکان) حرکت فز یکی ـ حرکت شیمیائی ـ حرکت بیو لوژیکی بازیستی ـ حرکت اجتماعی و حرکت فکری تقسیم می‌کنند.

۳ـ قانون تضاد : از قانون او ل ودوم فهمیدیم که سرا پای جهان یک دستگاه به هم پیوسته است که تغییر می‌کند. حالا ممکن است این سوال پیش آید :چرا تغیر می‌کند؟ دیالکتیک میگوید تغییر و حرکت در و جود خود ماده است.

حرکت به معنای فلسفی آن یعنی آن که چیزی شروع می‌کند به چیز دیگر شدن. در آن چیزی که حرکت می‌کند تا همگونی، در کانگی ودوگونی پدیدار میشود یا به بیان دیگر اختلاف تضاد پروز می‌کند . در حالیکه د ر کلیه اشیا وپدیده ها همیشه چیزی در حال پیدایش ورشد است و چیزی در راه زوال وافول. میرنده وروبندده نو کهنه، گذشته و آینده با هم د ر مبارزه اند.

این مبارزه است که تغییروحرکت را مؤجد شده است . تضاد ها یی که در اشیا وپدیده ها بروز می‌کند برد و قسم است:

آشتی پذید وآشتی ناپذیر.

حل تضاد آشتی ناپذیر از طریق غلبه یک طرف تضاد است بر طرف دیگر. تضاد آشتی پذیر میتواز ده طریق سازش و تلفیق حل شود .

٤ـ قانون تکامل: معنای این قانون آنست که حرکت و تغییر که نتیجه تضاد درونی اشیا وپدیده ها ست، تکرار وضع گذشته نیست بلکه مرتبا وضع نو وکاملتر وبغرنجی بو جود میآورد. ماده از ساده به بغر نج تر تا زل به عالی در حرکت است. از پیچان به جاندار. از انسان های اولیه، جامعه امروز پدید شده است. اول تغییرات تا مرئی نا مشهود و تدریجی ودر کمیت است. بعد ها که تغییرات کمی بچائی رسید جهش واقع میشود ویک تغییر سریع در کیفیت روی میدهد یعنی تحول انقلابی روی میدهد و کیفیت تا زه ای پیدامیشود. کیفیت سابق ـ حالت ورضع سا بق باین ترتیب نفی میشود. کیفیت کاملتر تازه ای جای آن را می‌گیرد و لی این کیفیت و حالت تازه هم بنوبهٔ خود در زمانی می‌رسد که نفی میشود. این جریان را نفی فی نا میده.

ماتر یالیزم فلسفی

ماتر یالیزم فلسفی می آمو زد که جهان مادیست در گذشته بوده ودر آینده خواهد بود. حال این سوا ل پیش میآید که **ماده چیست:**

تعریف فلسفی ماده که لنین آن را بیان کرده است چنین است:

ماده آن و تعینی است که دروزما مستقل از فکر ما وشعور ما و جو د دارد وما آن را با حواس خود درک می‌کنیم. فلسفه مؤظف نیست که بگوید ماده از چه چیز ساخته شده و است. این علم است که بتدر یج ساختمان (سلول ـ مالیکول ـ اتم و ذرات اولیه درون اتم، میدان ها وغیره) را کشف کرده وروز بروز تصور ما را از ماده غنی و غنی تر میسازد. شعور که به شکل ناقص و ابتدایی در حیوان وبه شکل و شد یافته آن در انسان متمدن و جوددارد نتیجه تکامل طولانی ماده است و خاصیت یک ماده بسیار متشکل و فوق العاده بغرنج و پیچیده است که مغز نام دارد .

چون فهمیدن این که چگونه انسان فعالیت می‌کند سخن می‌گوید فکر می‌کند خواب می‌بیند آثار علمی، هنری می آفریند زندگی آینده را طراحی می‌کند وبینش بینی می‌نماید در گذشته برای بشر د شوا ربود .

ولی علم امروز توضیح میدهد که چگونه سلول های مغز آدمی (که نورون نام دارد) تصاویر واقعیت خارج را منعکس می‌کند. چگونه این تصاویر را تجزیه و ترکیب می‌کند. بشر با کشف این قوانین خود ماشین های منطقی ومتفکر میسازد که به ماشین های سیبر نتیک وماشین های بیونیک معروفست. لذا اول ماده بیجان بود بعد ماده جاندار شد. او لماده بیشعور بود وبعد ماده ذیشعور شده است. لذا ماده بر شعور مقدم است، در حالیکه بر عکس نیرو های مترقی که آرمان بزرگ نجات بشریت را از هرگونه ستم واستثمار ملی و طبقاتی خواستار اند بسیجو جبه نمیتوانند ذرمورد ستم وپیداد بر ملت که خود نیز شامل آن ا ند بی‌اعتنا باشند. نیرو های مترقی از حس غرو ر ملی سر شا ر ا نده و می دزمند تامناسبات فئودالی که روی اصل امتیازات استوار است جای خود رابه همکاری برادرانه وتامین روابط عادلانه بدهد. از نقطه نظر نیرو های مترقی هیچ شعار وهیچ عبارت پردازی ورسوخ امپریالیزم را از کشور طرد کند وقلو دالیزم را بمو زیم تا ریخ بسپارد. خلق کشور ما را از قید هرنوع ستم آزادوکار ایجادافغانستان نوین را برای خلق افغانستان آ غا ز نماید. (از بیانیه پارلمانی ما) نه حکومت های نوع کنونی افغانستان که خود نیز بنا بر معاذیری (!) که دارد عجز وناتوانی خود را قبلا اعتراف نموده است.

شعار «افغانستان برای افغانستان» وقتی مفهوم واقعی را بخود میگیرد که باشعار های صلح، آزادی، استقلا ل ملی، دیمو کراسی، ترقی اجتماعی و رفاه عمومی توام کردد ودر راه تحقق آنها عملا جهاد عظیم صورت گیرد.

(خودبندی)

(از ص اول)

دربارهٔ یک شعار

اقتصادی وافزایش قیمتها، سقو ط ارزش پول ومشکلات سر سام آو ر زندگی در برابر ما قرار دارد. درنظر آوریم تا بمفهوم «افغا نستان برای افغا نستان بی بیر یم، عجیب اینکه بناغلی اعتمادی صدراعظم ضمن دعوت جوانان تلویحا این شعار را در پیش پای نیرو های مترقی میگذارد و در صورت عدم همراهی این نیرو ها باین شعار های پای در هوا گویا میخواهد نشان دهد که نیرو ها ی مترقی علاقه به سر نوشت و طن ندارند واحساسات ملی آنها ضعیف است، در حالیکه بر عکس نیرو های مترقی در برابر سرنوشت ملی و طن احساس مسئولیت عمیق دارند و در هر گونه اقدامی که بسود ملت باشد پیشقدم اند. نیرو های مترقی از هر گونه ستم واستثمار ملی و طبقاتی خواستار اند بسیجو جبه نمیتوانند ذرمورد ستم وپیداد بر ملت که خود نیز شامل آن ا ند بی‌اعتنا باشند. نیرو های مترقی از وجود نداشته باشد وشعار انعکاس دهنده وظایف عینی واقعا مورد توجه نباشد.

در اخیر باید گفت حقیقت این است که وقتا انجام جنبش ملی و دموکراتیک پسر کردگی طبقه کارگر دورانساز میتواند از بیخ وبن ارتجاع فئودال وعلاوه بر این طبقات، قشر های نیز وجوددارد مانند روشنفکران، ماموران پائین رتبه و غیره. در جبه وطن پرستی این طبقات را بصورن واقعی در تطبیق منافع طبقاتی آنان با مصالح ملی باید جستجو کرد نه در شعار های جامد. مجبور کردن بیبودگی وبی فایدگی آن زو شن است.

خصلت طبقاتی دستگاه حا کمه افغانستان که پایه های اجتماعی آن ملاکان فئودال، مستبدین محلی وسرمایه داران دلال وسود خور است ایجاب میکند تا نماینده سیاسی این طبقات (حکومت های وقت) در لابلای چنین شعارهای عوام فریبانه ژرونیهای ملی

خلاصه‌ای از درسهای

ابتدائی مبارزه

میشمارند ما تر یالیست نام دارند.

آن هائی که شعور را بر ماده مقدم میشمارند ایده یالیست نام دارند.

نکته دیگری که ما تر یا لیزم فلسفی میاموزد آنست که ماده همیشه بازمان ومکان و حرکت همرا ه است. حرکت بی ماده وماده بدون حرکت وجو د ندارد و حرکت شیوهٔ هستی ماده است ماده بدون زمان ومکا ن و زمان ومکا ن بدون ماده وجود ندارد. زمان ومکان اشکال هستی ماد ماند.

تئوری وپراتیک

شناخت ومعرفت انسان و جها ن در جریان کار و کوشش و پراتیک بوقوع می پیوندد، از پراتیک یاعمل است که تئوری پدید می آید. بنوبهٔ خود، خود علم یا تئوری پراتیک یا عمل را هدایت می‌کند. علم و عمل یاتئوری وپراتیک باهم رابطه ناگسستنی دارد. واین از مسایل مهم است که باید پیوسته آن را در نظر داشت. پراتیک یا عمل انسانی دارا ی سه شکل مهم واساسی است:

۱ـ علوم اجتماعی و طبیعی

۲ـ ایدئولوژی های سیاسی و اجتماعی که مجموعهٔ نظریات وعقاید یک یا چند طبقه در بارهٔ مسا یل سیاسی واجتماعی است. (ایدئولوژی را میتوان تقریبا به مسئلهٔ یا مرا م ترجمه کرد).

۳ـ جهان بینی: که در سابق تعریف آنرا بدست داد ه ایم.

جنبش انقلابی بدون تئوری انقلابی نمی‌تواند راه خود را به جلو باز کند. می‌گویند جنبش انقلابی کشتی است وتئوری انقلابی قطب نما. قطب نما بدون کشتی زنگ می‌زند و کشتی بدون قطب نما بگمراه می‌رود.

علوم طبیعی واجتماعی امروز اهمیت عظیمی کسب کرده اند. علوم طبیعی در دوران ما مستقیما جز قوای مؤلده قرار گرفته اند ومحرک عمده حرکت اجتماعی هستند. یعنی امروز د گر نمی‌شود قسمی از علوم را کشف کرده وروز بروز بر تصور ما را از ماده غنی و غنی تر میسازد. شعور که به شکل ناقص و ابتدایی در حیوان وبه شکل و شد یافته آن در انسان متمدن و جوددارد نتیجه تکامل طولانی ماده است و خاصیت یک ماده بسیار متشکل و فوق العاده بغرنج و پیچیده است که مغز نام دارد.

تئوری شناخت

شعور انسانی نتیجه انعکاس جهان خارج است در مغز وی. انسان به‌مدد شعور جهان خارج را می‌شناسد. برای شناخت جهان خارج شعور انسا نی در دو مرحله عمل می‌کند، اول مرحلهٔ حسی ودوم مر حلهٔ عقلی.

در مرحلهٔ حسی انسان با حواس خود جهان را درک می‌کند.

در مرحلهٔ عقلی انسان آن چه را درک کرد بصورت مفاهیم درمیا ورد واز جمع وتفریق این مفاهیم احکا م منطقی میسازد واستدلا جات منطقی می‌کند .

نهضت های اجتماعی هم ازمرحله حسی ومرحله عقلی می‌گذرد. د ر مرحلهٔ حسی شور وعواطف پرمبارزان نهضت غلبه دارد ودارا ی واقعیت مرحله عقلی نهضت ها می کو شند قوانین جامعه پیرا مون و جنبش ـ اجتماعی را عمیقا درک کنند ومبارزه را در جهت صحیح وواقعبینانه سیر دهند. یکی از نکات مهم تئوری شناخت مسئله حقیقت است.

حقیقت چیست:

حقیقت یعنی انعکاس مؤثق ودقیق واقعیت در ذهن ما. از ان جا که واقعیت ا بدی وا زلی فوق العا د ه بغرنج در زمان ومکان است فکر یک فرد قادر نیست در زمان محدود همه آن ها را احاطه کند. لذا بشر د ر کوشش تاریخی خود بتدریج میکوشد این واقعیت را بشناسد. درهرحلهٔ از مراحل فعالیت معرفتی خود انسان مدلی از آن واقعیت می‌سازد که بآن که واقعیت را منعکس می‌کند و لی عین واقعیت نیست. هر قدر انسا ن در درک واقعیت و سرشت آن بار یکتر میشود و جلو تر میرود مدل خود را کامل تر می‌کند. لذا حقایقی که انسان در یک دوران بدان دست یافته است تغییر پذیر است.

حقیقت نسبی ا ست نه مطلق . ولی نباید تصور کرد که در این حقایق نسبی هیچ سهمی از حقیقت مطلق یعنی حقیقتی که طی زمان تغییر نخواهد کرد نیست.

یکی از شرایط مهم دست یا فتن به حقیقت تفکر عینی یعنی بر رسی دقیق واقعیت بدون مداخله خواست وغرض و قضاوت قبلی است. کسانی که به شیوه ذهنی فکر می‌کنند یعنی می خواهند خواست و غرض وقضاوت قبلی خود را بر واقعیت تحمیل کنند قادر نیستند به واقعیت چنان که هست پی ببرند.

نکاتی در بارهٔ ماتریالیزم تاریخی

اگر قوانین د یا لتیک را بر سیر جامعه انطباق دهیم وازین نظر که ا ه پدیده های تاریخ بشر و جامعهٔ انسانی را بر رسی نمائیم فلسفه اجتماعی خا صی بدست میا و ریم که آنرا ما تر یالیزم تا ریخی می نامند. ماتر یالیزم تاریخی در واقع جا معه شناسی مارکسیستی است. این جامعه شناسی کامل‌ترین و دقیق‌ترین جامعه شناسی است سرمایه دا ران مایل نیستند ماهیت پدیده های اجتماعی چنان که هست برملا شود. لهذا در کشور های سر مایه دا ری دوجامعه شناسی به تحقیقات تجربی محدودی اکتفا می‌کنند و قوانین حرکت تاریخ را بیرون نمی کنند و تنها ذا کتهای جدا گانه را بسر رسی می‌کنند.

مارکسیزم بر عکس ذیعلاقه است که این قوانین را کشف کند وطبقان انقلابی را به معرفت این قوانین مجهز نماید تا آن ها بر حرکت خود بخودی تاریخ غلبه کنند وبه فن انقلا ب دست یابند وجامعهٔ تازه ای را بنی نهند. موافق ماتر یالیزم تاریخی دستگاه جامعه بشری از در بخش عمده و اساسی تشکیل شده است:

زیر بنا یا ساخت یا هستی مادی اجتماع. رو بنا یا شعور اجتما ع.

زیر بنا ساخت اجتما عی جا معه معینی است ومرکب است از :

نیرو های مؤلده و مناسبات تولید

(باقیدارد)

کارگران پرژه‌های ولایات شمال کشور و بخصوص کارگران پروژ

استخراج وانتقال گاز هیچگو نه مسؤو نیت ندارند .

کارگران پروژه های ولایات شمال کشور که متشکل از اقسوام وافراد مناطق مختلف وطن بوده و با لعموم کارگران فنی و میکا نیسین ها اند ، در اثر عرق ریزی، زحمت کشی و کار بالمو وفقاکارانه خویش در تحت شرایط دشوار جوی- درسور مو کرما زمینه بهره بر داری از منابع ارزنده زیر زمینی را آماده کرده اند . ولی ایشان مانند کار گران سا یر مناطق کشور بهرحمانه استثمار میگر دند واز حد اقسل شرایط لازم حیسات ومصرونیت محرومند ، در نتیجه کار همین کار گران و طلبرمست و زحمتکش همراه با متخصصا ن شوروی است که ذخایر معتنابه گاز کشف و تثبیت گر دیده است و بحیث مادهٔ با ارزش قسمتی از آن صا در میگردد که منبع بزرگ ها بدا نی را بوجود آورده است و مقداری از آن برق تولید کرده وهمچنین مبد ل بمقا دیر فراوان و پر قیمت گو د مصنوعی میگردد .

همچنان برنمه کاری بغر ض تفحص نفت نیز نتیجه مثبت داده است . این کار گران بانمو م در چندپروژهٔ (تفحصات نفت وگاز ، یاب لاین ، استخراج وانتقال گاز ، فا بریکا ت گرد وبرق) در امور زرمه کاری ، متناز کاری و امور سمنتا ژواکرانا ز، در امور راننده‌گی و سایل وماشینهای مختلف وامور تر میمات و امور تخنیکی وسا ختمانسی ، استخراج گاز . . . وغیره مشغول اند وبفد ر کافی در کار مهارت پیداکرده اند .

انجام کار های دشوار وتوانفرسا بعهدهٔ این کار گران جوان است واینها هستند که با کار خلاق خود چهره کوه های خشک وبا بانها را تغییر میدهند ، ولی عده ای مادوران عذابرتبه در حالیکه از مزا یا ی بسیار بزرگ وبیحد وحصر ر خورد اراند، علاوه برانکه آزادانه منافع عا مه را غارت مینمایند وشب وروز به جور وچپاول وعیشی ها وسر گرمی های مختلف مشغو ل اند ، بر کار گرا ن ظلم وستم بسیار نیز رو امیدارند.

کارگران پروژه های صنعت شمال وبخصوص پروژه استخراج وانتقال گاز هیچگونه مصؤونیت ندارند . ایشان با کوچکترین عکس- العمل خویش در برا بر بد رفتاری ها وبیداد گری های امرین از کارخراج میگردند . آزادی دفع از حقوق ومنافع خویش را ندارند . امکا ن مطالعه حتی ورق پاره ای بخصوص برای کار گران پروژه استخراج وانتقال گاز در کمپ های «رهایش» ایشان در اوقات فراغت وجودندارد، زیرا مورد تعقیب قرار میگیرند واز کار اخراج میشوند . خلاصه جمیع حقوق و آزادیهای ابتدایی ازکارگران این پروژه سلب گردیده است .

باوصف اینکه شرک یات کار گران پروژه استخراج وانتقال گاز چند ین بار در پرچم انعکاس یا فته است ، ولی نه تنها توجهی در زمینه صورت نگرفته بلکه هفا مات مربوط آمر پروژه را در آزادی عمل (!) وکار های تا روا و تفتین آمیزش تشویق کرده اند .

در اثر چنین خود سری ها است که علاوه بر سؤ استفاده های دیگر بطور مشخص از ناحیهٔ فروشی گاز بدست میآید صدها هزار افغانی حیف و میل میگردد .

در خاتمه باید تذکار داد که در پروژه های دولتی برای آن تفتین ، تخریب ، ارتشاء و اختلاس بعمل می آید و برکار گران فشار وارد میگردد تا اصلا بخش عامه و پروژه های بزرگ که بدنام گردد و در عوض زمینه برای تشبثات خصوصی و غارتگری ها ازنظر یق مساعد شود .

«پ»

سایه استبداد بر فضای مکتب

نسوان شبرغان

در مکتب نسوا ن شبرغا نچو ن دیگر مکا تب کشور اند بشه جوا ن و رشد یا بندهٔ شا گردا ن در دا یرهٔ تنگ ومحدود استبداد فکر محصور می‌باشد .

آزادی فرا گرفتن دا نش از جا نب ادا ره جبا ن مستبد مکتب، اخلاگری تلقی میشود . از رشد وا نکشا ف ذهنی شا گردا ن کاوشگر ومطا لعات آنان جداً جلو گیری بعمل می آید تا آنجا که گویا مطا لعه کتب غیر ازکتب معموله درسی و بر درسی ومطا لعه جرا ید بخصوص جریاید ملی ومترقی نوعی جرم با شد .

در نیمه‌دوم قرن بیستم ، دردوران پیرو زی ها ی شگو فا ن جنبشها ی آزا دیبخش و اوجگیری نهضت کار گری ودا نشجو ئی ، در عصریکه ازهرسو صدا ی شکستن زنجیر ها ی سیا ه استبداد بر میخیزد ، درین د یا ر استبداد سایه شوم خودرا گسترده‌تر میسازد که درفضای مکتب دختـــران شبرغان نیز تیره‌وا نواع اختناق نفوذ مستقر ی میکردد .

ادا ره چنان مکتب که بآزادی ودموکرا سی صحبت مخا لف اند ، می‌خواهند که اندیشه های پیـا ک و احساسا ت عا لی و طبرمستا نـــه دختران جوا نفکر و شجا ع را تا آنجا که بتوانند محصور نگهدا رند .

چنانچه آنها حتی برای ا ستمـا ع جریا نا ت ورزی ا عتماد و قسی جرگه برای دختران موقع ندا دند .

دختران ور ستمدیده مکتب نسوان شبرغان نسبت باین رو یهٔ اداره‌چیان مکتب وادا ره معارف سخت اعتراض مینما یند و می‌خواهند که با پدیرا ی آنها آزادی تنفس در محیط ا جتما عی وامکانا ت مطا لعات علمی دادهشود.

(پیغله فجر از شبرغان)

مو تر های دولتی و آرامش بیرو کراتها و نا آرامی در یوران

موتر های رسمی دولتی کـه در اختیار بیرو کراتها قرار دارد نه‌تنها در اوقات رسمی بلکه شب وروز در ساعات غیر رسمی نیز مورد استفاده وسیع وبی بند وبار ما موران عالیرتبه و خا نواده های ایشا ن قرار می گیرد . علاوه برانکه این موتر ها در یکصدت کوتاه خراب میگردند ، دیزیو را ن این موتر ها نیز بمشکلا ت زیادی مواجه الـد زیرا مجبور هستند که در اوقات غیر رسمی وشب ها ن نیـمه ها بدون دسمزد اضافی در خدمت پـدی والی ها ، قوما ندانها وما مورا ن عالیرتبه دیگر بد رجات پا نیشر. شب ها با دعوت دارند ویا بجاهای دیگر دعوت اند و یا روزهای رخصتی وعصر ها به تماشا وهوا خوری میروند دریوران موتر هی سرکاری زادر خدمت خویش نگهمیدارند . ایشان مجبور اند که ساعت ها ی متوالی در عقب درب ها و منا ز ل به انتظار بنشینند و بفکر اینکـه مبا دا افا ی وزیر ، یا رئیس، یـا والی ویا . . . عزم برگشتن بمنزل را بنماید یکد قیقه نمیتوانند محـل را ترک گویند . خا یا ایشـن شمیرا زادر حال انتظار کرسنـه سمیر ی میکنند ، در حا لیکه در داخل منزل ناز پر ور دگان طفیلی درمیـن‌وفوری از نعمات مذی غرق اند .

دریوران موتر های رسمی دولتی فاکتاریز اند که هستگام بلا شـدن وپائین شدن آقایان بیرو کرا تنهـا واعضای فا میل وخویشا ونذا ن آنها دروازه موتر را بسرعت وبا حـفظ «نزاکت و ادب» مخصوص‌وبا کرنش باز نمایند . زیرا انجام این کارساده توسط خود آقا یان زحمت است وبه کسر شان شمرده میشود .

دریوران موتر های‌رسمی که ساعات معینی برای کار ایشان وجود ندارد، شب ها خیلی دیر باطلی راه هدی دور از منزل «ارباب» تاکلیا محقر خویش بر میگردند و مجبور انـد که صبح خیلی زود برخیزند وباز هم پا طی فاصلهٔ غالبا دور بمنزل «ارباب» برسند و موتر را باک کرده آمادهٔ حرکت بسازند وانتظار بکشند. بدینترتیب دریوران حتی فرصت‌نیم ساعت ویکساعت نفسش وصر فی غذا با اطفال ، زن وخانوادهٔ خـو د را ندارند .

دریوران «موترهای رسمی کـه از زمرهٔ کارگران کشور اند تا کـنو ن استند که تمام این مشکلات وسخت ها را به پذیرند تا قمه نانی بـرای خانواده خویش تهیه بکنند ، در غیر آن با نشا ندادن کوچکتر ین‌عکس- العملی ازکار اخراج میگردند وخیلی دشوار است که کار دیگری بیابند .

مسئلهٔ اساسی دربنجـا ست ، تا وقتیکه سیستم اداری در دستگاه دولت از اساس اصلاح نگر دد و ما موران شریف ، با وجدان ووطنپرست در چوکات یک حکو مت ملی و مترقی جای نا موران عالیرتبهٔ ستمگر و بیرو کراتهای کنونی را نگیرند ، نه تنها اینمو ضوع‌کو چک مورد بحث بلکه دهها وصدها عاصمسائله اساسی دیگر اصلاح وحل شـده نمیتواند .

مامورین پائینرتبهٔ دا فغانستان بانک از بیمه‌صحی خود راضی نیستند

ماموران پائین رتبهٔ دا فغا نستان بانک ازنا حیهٔ بیمه صحی خـویش که فقط اسما وجود دارد به مشکلات مواجـه میباشند نخست اینکه اخیرا بجای‌دو قیصه قبلی سه قیصه از معاش یخورو نمیر شما ن پا یـــن عنوان وضع می گردد . ثانیا محـل بیمه از هر کز شهر کا بل ا کنو ن به‌شهرنو انتقال یا فته که رسیدن بدانجا برای مامورا ن صا حب ا متیازاته تنها برای خود ر خا نواده خو یش ، بلکه برای خویشاوندان و دوستان خود نیز ادویه قیمتـی را حاصل مینمایند .

وضع‌بیمه صحی‌درا فغا نستـا ن دا نک قطعا قا بل تجدید نظراست و اکنو ن به‌هیچو جه بنفع مامـــورا ن یا ین رتبه آن مو سسه نمی‌باشد .

(چ ، غ)

بدانجا میر سانند ، درنظر نمی گیرند بلکه‌به معا ینه و دقیق ایشا ن به پردا زند ، دربرا بر هر کونـه مر ض غـا نیا بکی از نسخه هـا ی قبلا نو شته شده را که‌محتوی چند تا بلت مسکن و چند پودری بدو یه پودری است به بیما را ن مید هند ، در حا لیکه ماموران صا حب ا متیازاته تنها برای خود ر خا نواده خو یش ، بدانجا برای ماموران را ملفال وزنان بیمار شا ن توأم با تحمل مشکلات زیاد است و فقط ماموران صا حـب امتیاز کهو سا یل دراختیا ر دا رند میتوانند از امتیا ز ا ت بیمه ا ستفا ده نمایند . ثالثا داکتران قرار داد ی دا ئمی ضرو رت بیما را ن بی‌بضاعت ونیازمندرا که‌باتحمل مشکلات‌خود را

کارگران ورکشاپ زنده بانان مربوط

شرکت سرو یس نسبت شرایط نامساعد کار اعتراض مینمایند

شرکت سرویـس کـه یکـی ا زپردرآمد ترین شرکت ها ست وبا صدها پیوند خاص وز دو بندی که‌با محافل حاکمه کشور وبرون‌دارد تاکنون از امتیازات بزرگی برخوردارگردیده وسود های قابل ملا حظه به چنگ آورده است. بدست آو رد ن‌یکتعداد زیاد پس های شهری‌ولایتی بقیمت های ارزان و بفرضه ازطریق‌کمک مستقیم مقا مات حکومتی یکـی ازین امتیازات است.

تنظیم پرو گرام خیلـی سود آورحرکت پس ها در خطوط مـزدهم و پردرآمد طبق دلخواه گر دانندگا نشرکت وسیستم اجاره بـس ها ا ز یکسو مشکلات بزرگی را برای‌اهالی‌شهر کابل بو جود آورده واز سوی دیگر زمینه سود جویی بیشتـر ر ابرای شرکت فراهم کرده است.

از آنجائیکه کار فرمایان شر کت‌سرویس (ما نند دیگـر تشبثـا ت خصوصی) در فعالیتهای‌سود جویانه‌خود دست کاملا آزاد دارند واز هـر طریقی که باشد مطمح نظر فقط سودا ست. بنابران علاوه بر منا فع‌بزرگ از طریق اجاره بسها، به شدیدترین‌وجهی به استثمار درپوران، نگران‌ها وهمچنان کارگران‌ورکشاپ‌زنده‌بانان(مربوط شرکت سرویس) میپردازند.

کار گران ورکشاپ شـر کـت‌سرویس منجمله عوامل نا مسا عـد دیگر در شرایط بدی کار مینمایند.حتی ایشان برای گرم ساختن خود د محروم از حد اقل امکانات هستند .مجریان شرکت نه تنهـا مسـألـه تسخین‌ورکشاپ‌را توسط مرکزگرمی‌درنظر نگرفته اند، بلکه چوب‌سوخت هم در اختـیار کار گـران گذاشتـه‌نمیشود. لهـذا کار گـران مـجبور هستند که از مو بل‌آیل‌سوخته‌استفاده‌نمایند. چون دود کش برای خرو ج دود در ورکشاپ وجود ندارد، لذ افضای آنرا دود غلیظ آلوده میسازد. که این امر لطمهٔ به صحت وسلا مت‌ایشان وارد آورده است.

کار گران که ازین وضع بستو ه‌آمده اند بروز سه شنبه (۲۳ جدی) بمنوا ن‌اعتراض از شاب ها خا ر ج‌گردیده واظهار میداشتند که درتحت چنین شرایط بزودی صحت وسلامت‌خود را کاملا از دست خواهند داد و باید برای بهبود شرایط کار بطو رجدی مبارزه نمایند .

شهریان مـزار شر یـف اعتراض می کنند

اخیرا نامه‌های پر فتر پر چم خلق رسیده کهدر آنها از نا آرا می و بی امنیتی درشهر مزار شریف حکا یت گردیده است‌ومردم ازین نا حیـــه بمشکلات و تشویش د چار شده اند. گفته‌میشود که ا کنو ن مصؤو نیت عبورومرور درشهر و بخصوص در کو چه‌ها و پس کو چه‌هـا پس از سا عت هشت و نه شب ازبین رفته است .یو لیس ومقامات «امنی»وبعوض آنکه جلو دست اندازی ها وراهزنی‌ها رابگیرند، اعلام دا شته اند کهمردم نبایدپس از سا عت ده درشهرگشت وگذار دا شته‌با شند ودر غیـر آن مسؤو لیت بخود ها برین را جـع است(!) .

ادا مهٔ این وضع در معا رف کشور غیر قابل تحمل گر دیده‌است وفریاد اعتراض ازهرسو بلند است !

(ا ،ش، از نیمروز)

شکایتی از ولایت نیمروز

مسمـا ولایت نیمروز یکی از پس ماندهٔ ترین منا طق کشور عقب افتادهٔ ما دا فغانستان است . ع علاوه بر آنکه مردم ا ین منطقه تحت جبر ا نه‌ترین شکل ستم دئودا لی قرا ردا رند ، ظلم و ستمرا مو ران عالیرتبه و متنفذ جای ما موران عالیرتبهٔ ستمگر و بیرو کراتهای کنونی را نگیرند ، نه تنها اینمو ضوع‌کو چک مورد بحث بلکه دهها وصدها عاصمسائله اساسی دیگر اصلاح وحل شـده نمیتواند .

شکایتهای مردم واعتراضات خلق

کارته‌جدالتاسیسن سید نور محمد-

شاه مینه فاقد ابتدائی ترین تسهیلا ت مدنی است

قرار معلوم روزانه پنجهزارافغانی تاسیسی بشمار میرود ، توجهـی عصرف توزین آب برای اهالی این مینذول نداشته اند .

منطقه میشود ، هرکامجموع‌مصارف بنابر کمی تعداد پس‌ها ، بی‌نظمی روزانه بمنظور آبرسانی محفوظ در در پروگرام حرکت آنها ، فقـدان منطقه بکار می افتید واز آن‌استفاده موترهای شبکار ، نبودن مغازه های صحیح صورت می‌گرفت بیقین‌مشکل آرد و مواد ارتزاقی و سایر مشکلات مردم تاحدی رفع میگردید .

این «کارته» جدیدالتاسیس بشکل‌یک دهکدهٔ لوتاسیس فاقد تسهیـــلات ابتدائی مدنی درآمده است .

نه تنها مسئوولین امور درموارد اهالی منطقه اعتراض میشمایند و فوق کوچکترین‌گام‌اساسی‌برنداشته جدا میخواهند که هرچه زودتـــر اند بلکه در موارد دیگر از قبیـل تسهیلات حداقل طبق وعده‌ها برای موضوع ترانسپورت و رفع کثافات اینان تامین گردد .

ناشی از عدم وجود سیستم بدرفت عصری ، اهمیت مردم وغیره که همهٔ **ازطرف اهالی سید نور محمد شاه - مینه ن . نبرد**

آن‌ها از مسایل عادی ولی اساسی حیاتی باشندگان این «کارته» نـو

سا کنین «کارته» جدید سیـــه گنبدهٔ داد ، بدینقرار : جهت‌سروی تحقیق وتدقیق تمام شرایط زندگی ازقبیل آب آشامیدنی ، پد رفست عصری وسایر خصوصیات بـرای رهایش یک کتلهٔ مردم‌که در آن‌منطقه سکونت پذیر خواهند شد ، اقدام نموده‌و بعدا حتی عوام فریبانه ادعا گردید که «در تمام مشکلات فوق موفق » گردیده اند ، در حالیکه یکی ازین وعده‌ها تاکنون‌بحقیقت‌نپیوسته است . موضوع تهیهٔ آب آشامیدنی، بدرفت عصری وغیره برای مردم این منطقه به فسانه میدل شده است .

درماه سنبلهٔ سال جاری رادیو و روزنامه های دولتی دربشموردتبلیغات میان تهی زیادی وابراه انداختند که «عنقریب کار شبکهٔ آبرسانی سپیدنور‌محمد شاه مینه تکمیل وتمکایات مردم ازین ناحیه مرفوع خواهدشد» درحالیکه تاحال اینکار بمرحلهٔ اجرا درنیامده است .

پرچم

وافغانستان دملنک دموکراتیک انکاز وخپرونکی

۲۹ جدی ۱۳۴۸

دیوی گنی بیه : ۲½- افغانی

اگنیو چه میگوید؟!

سفر پر جنجال و پر ماجرای سپاروتیودور اگنیو ـ سفریکه هدف آن تصریح و تکرین نکسن‌بود به پایان رسید. و لی‌مطبوعات‌جهان هنوزدرباره این سفرتبصره‌می‌نمایند. بقرار تحلیل و تبصره بسیاری از مبصرین سیاسی غربی سفر اگنیو وعکس‌العمل ها ئیکه دربرابر آن در کشورها ی‌آسیا ئی نشان‌داده‌شد، ماهیت‌اصلی‌دکترین نکسن را افشاء می‌نماید.

ازبیانیه‌های اگنیو پیدا بود که وی‌ وظیفه‌ا ی‌را دکترین نکسن را به کشورها ی میز با ن تصریح‌وتوضیح نماید. حال ببینیم که ا گنیودر سفر خود به کشورها ی مختلف آسیا ئی چه چیز را تو ضیح‌کرد ؟ در ما نیلا ضمن صحبت با مارکوس رئیس جمهور فلیپاین اظهار دا شت که«ایات متحده امریکا» را ده دا رد که«وا ضح خود رادربحرالکاهل حفظ نماید .» در تا یلند وی گفت که «در سیا سیت ا یا لات متحده امریکا را جع‌به‌عدم تقلیل تعهدا ت آ نکشور دربا رهٔ تا یلند و بطور عموم جنوب شر ق آسیا تغییر وا رد نخواهدشد» حین مذا کره با چیانگ کا ی شک اطمینان داد «ماتمام تعهداتی را که با متحدین خودنیو ده ایم کا ملا ایفا خوا هیم نمود » درو یتنام جنو بی‌طی بیانیهٔ ا ظها ر نمود که امریکا هر گز دو ستان‌خودرا تنها نخواهد گذاشت. وی در پیامی عنوانی عساکرامریکائی که‌درو یتنام می‌جنگند گفت که نباید تظاهرات ضد جنگ ویتنام‌که‌ازطرف مردم‌امریکا و جها ن صورت می‌گیرد آنها را متر دد نما ید .

اگنیو درکابل اظهاردا شت :راجع به‌خودم اگراجازهٔ ابراز نظر شخصی رادا شته باشم افتخار ابوت یونائی خودرا دارم واین‌یك تائیر نزادی و ثقافتی است‌که میدانیم‌در افغانستان محسوس میباشد مرا بکلی مجذوب نموده‌است.اینکه‌میدانم که‌داستانهای سکندرکبیر هنوزهم درابن‌کشور در خاطرها زنده است وبعضی ازقبایل در حطه های کوهی شما امروز میبندارند که از نسل سپاهیان سکندراند.

قرا ر را پورهای مطبو عا تی چیز متحدالما ئیکه ا گنیو به تمام‌میزبانان خوددرضمن‌این سفراظهارداشته‌است این بود که آ نها نباید تو جهی به تظاهرا ت ضدامریکا ئی و ضد جنگ ویتنام بنمایند . وی اظهار داشته است که هسته این نظا مرا ت جز ما نور تبلیغاتی دشمنان چیز دیگری نمی با شد .

چیز تو یکه درین سفراگنیوبه‌نظر میخوردهمانا اصطلاح «ویتنامی ساختن» بود. وی‌ضمن تشریح این ا صطلاح «ویتنا می سا ختن» یا بعبا رت دیگر سیا ست «ویتنامی سا ختن» بمخاطب خود می فهما ند که هد ف ا یسن سیا ست عبا رت از مختتی سا ختن جنبش آزا دی بخش در کشور های با صلاحیت بزمین سخت منفجرمی‌گردد.

رئیس جو لیس ما نیلا ضمن تا ئید این حقیقت اظهاردا شت که این‌نوع بمبا نها یت در جه خطرنا ك بوده می‌تواند. دو عدد از این بمبا قبل از رسیدن هو تر اگنیومنفجر گر دید و یك عدد قبل از انفجار بدست‌پولیس افتید .

پو لیس ضدا غتشاش درا طرا ف سفا رت امریکا صف کشیده بودند ودروقتیکه‌تظاهر کنندگان‌می‌خواستند لوایح دست‌داشته‌شانرا بسوی مو تر اگنیو شور بدهند پو لیس دو بسم گاز بشك آور را بسوی آنها فیر نمود.

همچنان در سه ن ی ، ملبورن ، کا نبیرا و دیگر شهرها ی استرا لیا نیز تظا هرا تی بر ضد ا گنیوصورت گر فت تظاهرا ت ضد اگنیو که‌از طرف مردم ، استرا لیا صورت گر فت بنام تظاهرا ت ضد جنگ و ضد سیا ست امریکا تر تیب داده شده بود . د ر لوا یح تظاهر کنند گا ن شعارهای از قبیل « اگنیو بـــه خانه ات بر گرد ! » ،جنگ درو یتنام گا نیست !» وغیره‌بچشم میخورد .

دډیپلوماتیکو جاسوسی اډه پاکستان

ته وسپارلې شوه

دډیپلوماتیکو په یوه پیره کښې دامریکې دجاسوسۍ اوه دلسوګډو له تیریدو په ورځنۍ په رسمیتو پر ل دپاکستان حکومت ته وسپارلې شوه. سره له دې چې دامریکې ټیم هڅوا دپاکستان په حکومت باندې زیاتې فشار واچول خو چې دغې په هڅه ټرومن نور هم اوږدګډې خودپاکستان حکومت دغه ګام ته غاړه‌نه‌کیښودله.

مطبوعاتي راپورونه ښيي چې پخلاني دجاسوسۍ اډې له منځه تلو سفراتي‌ګډې اهمیت، فایل‌ډ.دامریکې ډیکلاسن دې چې دغه اوه له خو کلیزو را پدیخوا دشوروي اتحاد او نو رو دوښتو نو په مقابل کې جاسوسي

دغه الوتکې خوځښلې‌دافغانستان په فضا باندې هم تیري کړې ډ. دغیل چې سړسپنې فضا ښه پرله‌پسې وروستې ورځې هم دافغه ټسټا ن دپاښه شوروي اتحاد ته پرته شوې ده‌چې پرته زاوته کړ خپله او پسه را غږ خوښه سره دامریکې متحدو ایا لاتو ته یوه رسوایي پر برخه شوه .

پرتاب نمودن چندین بم بر موتر حامل سپایر و اگنیو

روزنامه پاکستان تایمز درشمارهٔ سی دسمبر خویش تحت عنـــوان «بمبا یکه بر اگنیو درما نیلا پر تاب گردید» می نویسد :

مظاهره کنند گا ن ضدامریکا یم کو چکی از بسوی مو تر حامل ا گنیو پر تاب نمودند.این بم زما ئی بر موتر اگنیو برتاب گردید که مذکور سه مساعت‌بعدازرود خود به ما نیلا می‌خواست به سفا رت امریکا برود .

پو لیس‌مانیلا اظهار داشت بمیکه در نزدیك مو تر حامل اگنیو منفجر گردید در ا بتدا فکر می شدکدام یتا ئی‌باشدولی‌بعدها معلوم شد که درحقیقت بمی ازنوع «پل با کس» می‌باشد و طوری ساخته شده‌است‌که باصابت بزمین سخت منفجرمی‌گردد.

رئیس جو لیس ما نیلا ضمن تا ئید این حقیقت اظهاردا شت که این‌نوع بمبا نها یت در جه خطرنا ك بوده می‌تواند. دو عدد از این بمبا قبل از رسیدن هو تر اگنیومنفجر گر دید و یك عدد قبل از انفجار بدست‌پولیس افتید .

پو لیس ضدا غتشاش درا طرا ف سفا رت امریکا صف کشیده بودند ودروقتیکه‌تظاهر کنندگان‌می‌خواستند لوایح دست‌داشته‌شانرا بسوی مو تر اگنیو شور بدهند پو لیس دو بسم گاز بشك آور را بسوی آنها فیر نمود.

همچنان در سه ن ی ، ملبورن ، کا نبیرا و دیگر شهرها ی استرا لیا نیز تظا هرا تی بر ضد ا گنیوصورت گر فت تظاهرا ت ضد اگنیو که‌از طرف مردم ، استرا لیا صورت گر فت بنام تظاهرا ت ضد جنگ و ضـــد سیا ست امریکا تر تیب داده شده بود . د ر لوا یح تظاهر کنند گا ن شعارهای از قبیل « اگنیو بـــه خانه ات بر گرد ! » ،جنگ درو یتنام گا نیست !» وغیره‌بچشم میخورد .

بـــاز ...

باز ابر سیه عصیا نگر
قامت از سلسله‌کهسار کشید
دخت زیبای فلك مهر برین
برده بر آتش رخسار کشید

* * *

زلمئون بحر فلك تو فانیست
موجهای سیه آشفته‌تر است
چهرهٔ سرد زمین اند هبار
باد در بادیه ها نوحه گر است

* * *

آشیانها همه بـر بادشده
درغکان رفته‌چمن خاموش است
چوی در مرگ گلان میگرید
باغ از برف کفن بر دوش‌است

* * *

باغبان حو صله از دست مده
این ستیزنده شتا میگذرد
باش در پی این سردی مرگ
اندرین عرصه چه ها می گذرد

* * *

غرش باد وغفان تو فان
موج وارسته در یا زاید
از نهانخانهٔ زده بر ف
خر من لالهٔ صحرا زاید

* * *

باش تابوسه بسر ما بد هد
خارغن گرم ز من سرد شود
باش تا نقطهٔ گل در ته برف
جور سر ما بکشد مرد شود

* * *

آمدمان بستر خورشید شود
چمن از خندهٔ گل‌مست شود
آنچه دی برده به یغما از ما
باز از ما شود و هست شود.

سلیمان لایق

انجمن جریده نگاران غیر حکومتی

تاسیس میشود

مدیران جراید غیر حکومتی بمنظور دفاع وحفظ آزادی مطبوعات بخاطر مبارزه‌علیه‌موانع ومشکلاتیکه‌در راه نشرات جراید آزاد ایجاد میگردد و بالاخره بغرض ایجادهم‌آهنگی وبلند بردن سویه‌نشراتی **درجلسه تاریخی ۱۸ر۱۰ر۴۸ خویش**فیصله نمودند تا انجمن جرنیده نگاران آزاد تاسیس شود.

در جلسه فیصله بعمل آمد که‌باید هرچه زود تر اساسنامه‌انجمن تدوین گردددرباره تثبیت‌شخصیت‌**حقوقی آن اقدامات قانونی صورت** بگیرد.

تظاهرات ضدامپریالیزم ...

(از ص اول)

میسازد. بالعکس‌برا ی خنثی کردن دسایسی‌امپریالیزم فقط مبارزه‌پیگیر واتخاذ سیاست شجاعانه ، قاطع و روشن‌علیه امپریالیزم میباشد.

عناصر ومحافل مفتن در دستگاه حاکمه افغانستان منجمله درحکومت بطور تحریك آمیزی در برابر حادثه اخیر یعنی مبارزه مردم ما علیه امپریالیزم امریکا چنین تبصره مینمایند که رفقـای وطنپرســت ما در برابر کدام «علامه ا خا لی» عمـل تحقیـر آمیز ا نجـام داده اند . باید خا طر نشا ن ساخت که هدف اصلی ما از شرکت درتظاهرات اعتراضیه ضد ا گنیو معاون رئیس‌جمهوری ایالات متحده، مبارزه علیه امپریالیزم امریکا (نـه خلق صلحخواه امریکـا) و عوا ملدا ران داخلی آن بـوده اسـت. رفقای پرچمدار دموکر اتیك خـلق افغانستان تا کنون هیچ عملی خارج از چو کا ت اصـول وفـا نـو نیت آنجام نداده انـد و حرکت‌ما بطور آشکـار د ر چوکـا ت ا ر ز شهای دموکر تیك قا نون اساسی کشور، حفظ تما میت ارضی، دفاع از آزادی واستقلال وپشتیبا نی از سیاسـت بیطرفی مثبت، فعال و صلحجویانه بوده است. پشتیبانی از سیاسـت بیطرفی ایکه‌محتوی‌آن‌تعقیب‌سیاست خارجی مستقل صلحجویانه ،تعقیب سیاست ضد تجاوز، ضد جنـگ و ضد امپریالیزم باشـد و مـوجب استقرار استقلال وآزادی گردد، از وظایف جدی ملی ما بشمار میرود. ولی محافل حاکمه موجود در کشور ما بخاطر حـفظ منـا فـع مـا دی ومعنوی خود، بخاطر بقای خـود از سیاست بیطرفی توجیهات نادرستی مینمایند ودر هنگام ارزیابی دربرابر جبهه صلح، آزادی ملی،دموکراسی، ترقی وعدالت ازیکسو وجبهه جنگ تجاوز، استعمار و امپر یـا لیـزم، فاشیزم، استبداد وارتجاع از سوی دیگر، علامت تساوی میگـذار نـد.

دستگاه حاکمه افغانستان مبارزه و ضدیت علیه کشورهای امپریالیستی را مناقض سیاست بیطرفی میدانند وبدینترتیب از سیاست بیطـرفـی توجیهات کاملا نادرستی مطابق به منافع طبقاتی خویش مینمایند.

عناصر ومحافل مفتن دست‌راستی در دستگاه حاکمه تبلیغ مینمایند که مظاهره اخیر با خصلت میهمان‌نوازی افغانی مباینت دارد. باید باین‌آقایان تفهیم کرد مردم آزاده کشور ما هیچگاه در برابـر متجاوزیـن و سیاستهای تجاوز کارا نه « مهمان نواز» نبوده اند ودر سیر تاریخ در نبرد های ملی ما همه وقت جـواب دندانشکن به اسکندر هـای کبیـر اشغالگر واخلاف‌امپریالیستی آن‌داده شده‌است. ماکـه تجـاو ز و مـدا خـلات امپـر یـا لیـزم امریکا را در ویتنام وهشرق میانـه و غیره تقبیح مینمائیم‌معتقدیم که دفاع از ویتنام قهرمان واعراب ومبـارزه علیه امپریالیزم وصهیـونیـزم در حقیقت دفاع از آزادی، استقـلال و صلح است ومیدا نیم کـه چـو ن امپریالیزم در خصلت خود تجـاو ز کار است، فردافوتیکه زمینه‌مداخله ما در حالیکه خصلت های پسندیده افغانی و منجمله«مهمان نوازی»مردم خویش راتقدیر مینمائیم وبا تأسف اظهار میداریم که محافـل حاکمـه از «مهمـان نـوازی» یـا شهامـت افغـا نـها تـو جیـه نـا صحیـح مینمایند. مردم‌کشور ما هیچگاه‌نه‌در برابر امپرا توری اسکندر کبیر و نه به اخلاف امپریالیست انگلیسی‌زبان آن مهمان‌نواز نبوده اند.

همچنان بطورتحریك آمیزوبشیوه دشمن تشخیص‌دهند. مردم به‌تجربا خود میدانند که کدام کشور کمکهای بزرگ بیشائبه اقتصادی و تخنیکی رابه کشورما مبذول میدا رد و موضعگیری آن بنفع صلح، استقلال وآزادی است وبا منافع کشـور ما مطابقت دارد وکدام کشورهـا بنام «کمك» قصد غارت واعمـا ل نفـوذ سیاسی را دارنـد وآزادی وصلـح کشور ما ودیگر کشورهای آسیا ، افریقا وامریکـای لاتیـن را بخـطر انداخته ومی اندازند.

دراخیر بصراحت اعلام میدا ریم که تظاهر ضد امپریالیزم امریکا در کابل تحت پرچم دموکر ا تیك خلق افغانستان نه‌تنها اعتبار و حیثیت بین‌المللی افغا نستان را بلند برده است، بلکه ازیکسو مظهر آزادی ـ خواهی وزنده بودن خلق دلیرکشور مایوده وازسوی‌دیگر جرقه ایست‌که مشعل دورنمای نجات بخش خلـق افـغـانستا ن ،آزادی ، استقـلال ، دموکراسی، ترقی وصلح در کشور ودر منطقه را نشان میدهد.

ب . کارمل

(از ص اول)

اتحاد شوروی موقف خود را ...

نمایندگان ملل متحد موافقه صورت گرفت، ولی از بیا نات نما یندگا ن اسرائیل اکنون چنین استنباط می‌شود که تو یا « فورمول رو دوس » عبارت از مذاکره مستقیم میبا شد. نطاق وزارت خارجیه اتحادشوروی گفت که اتحاد شوروی عرکز چنین تصمیری از «فورمول رو دوس» را بحیث یـك سوال عمده پیش می کشد .بعبارة دیگر ایالات متحده امریکا واسرائیل از طریق حرف راجع به شکل‌مذاکره می خواهند از مو ضوع اسا سی ضرورت موافقه بر اصول عمده یك فیصله در شرق میانه بر اساسی فیصله تامهٔ ۲۲ نومبر ۱۹۶۹ چشم پوشند .

اسرائیل » باز ایالات متحده امریکا «فورمول رو دوس» را بحیث یـك سوال عمده پیش می کشد .بعبارة دیگر ایالات متحده امریکا واسرائیل از طریق حرف راجع به شکل‌مذاکره می خواهند از مو ضوع اسا سی ضرورت موافقه بر اصول عمده یك فیصله در شرق میانه بر اساسی فیصله تامهٔ ۲۲ نومبر ۱۹۶۹ چشم پوشند .

تذکر :

در جریدهٔ کهیخ (شمارهٔ یکشنبه۲۱ جدی) مطلب کوچکی راجع به‌یك محصل جوان از زبان «یکی ازبرزگان‌پرچم» نشر شده بود که ما آنرا وارد نمیدانیم .

مطبعه‌دولتی

پرچم

صاحب امتیاز : سلیمان لایق مدیر مسئول : میراکبر خیبر آدرس : زرلنیت مارکیت ـ محمدجانخان وات تیلفون : ۲۳۱۶۴